

مقاله پژوهشی:

امنیت پایدار از منظر انقلاب اسلامی

(اصول و مبانی حکمرانی امنیتی بر مبانی مکتب امنیتی تهران)

[20.1001.1.74672588.1400.5.18.10.4](https://doi.org/10.1001.1.74672588.1400.5.18.10.4)

مصطفی ایزدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

چکیده

ایجاد امنیت فردی و اجتماعی (حکمرانی امنیتی) می‌تواند در جوامع مختلف - مبتنی بر تفکرات حاکم بر آن مجموعه، دارای رویکردهای متفاوتی باشد. بنابراین، وقوف بر «مرجع امنیت» یکی از مسایل اصلی حکمرانی برای اعمال امنیت پایدار است. حکمرانی در مکتب امنیتی انقلاب اسلامی بر اساس مبانی توحیدی و انسان‌شناسی مبتنی بر آن استوار است؛ این مکتب قائل به این است که اگر انسان‌ها و جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل تعقیب کنند از رفاه، آرامش و امنیت همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی و نورانیت و لذات روحی برخوردار خواهند شد. بر این اساس لازم است، مبانی و اصول حکمرانی امنیتی را معین کرد که با اتکاء بدان می‌توان نسبت به ایجاد نظام و ساختار متناسب برای نیل به امنیت همه‌جانبه مبتنی بر «ایمان» اقدام کرد. در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است. نحوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است که با استفاده از روش تحلیل توصیفی و استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه حکمرانی امنیتی، یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است. این مقاله با استناد به مطالعه اسنادی و توصیفی و با تکیه بر مکتب انقلاب اسلامی و بر اساس اصول و مبانی اسلام ناب محمدی به دنبال آن است که نشان دهد حکمرانی امنیتی که بر اساس جهان‌بینی توحیدی بنا نهاده شده، متفاوت از مکاتب امنیتی متأثر از اومانیزم و... است و مبتنی بر توحید و ولایت استوار بوده و اساس آن بر ایمان و عدالت است.

کلید واژه‌ها: نظام سیاسی، فلسفه سیاسی امنیت، حکمرانی امنیتی، مبانی و اصول حکمرانی، مکتب امنیتی
تهران

۱. مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی، انقلاب ارزش‌هاست و بر خلاف سایر انقلاب‌ها و نهضت‌ها که اصولاً بر نیازهای مادی بشر استوار است، این حرکت در تداوم راه انبیا و اوصیای الهی، مسیری را طی می‌کند که متضمن سعادت دنیوی و آخروی انسان‌ها و جوامع است. انقلاب اسلامی جز اینکه در پهنه «عقیده و جهاد» اتفاقی شگرف بود، به لحاظ چگونگی «تعاملات سیاسی و امنیتی» نیز شگفتی‌آفرین بود.^۱ در نگاه انقلاب اسلامی، «اسلام» و «ایمان» به آن، زیربنای زندگی و حیات طیبۀ انسان‌هاست که همه‌خیرات مورد علاقه آدمی از جمله «امنیت فردی و اجتماعی» در دل آن وجود دارد.^۲ در این مکتب همانگونه که از قول امام معصوم، حضرت صادق آل محمد^(ع) مطرح شده است:^۳ «رسالت حاکمیت در سه رکن موضوعیت دارد، امنیت، عدالت و فراوانی» برای نیل به این نعمت الهی و ایجاد آرامش در بین آحاد مردم و جامعه باید توجه داشت که آنچه امنیت را تأمین می‌کند و حس امنیت را به مردم می‌دهد. لزوماً مادی نیست. بنابراین، باید شاخصه‌های غیر مادی حصول به امنیت یا «حس امنیت» را شناخت و ترویج کرد. در این راستا، عمدتاً صاحب‌نظران واقع‌گرا به‌طور مشخص دولت‌ها را به‌عنوان مرجع محوری امنیت مشخص کرده‌اند. اما این به‌تنهایی کافی نیست؛

۱. حضرت امام خمینی می‌فرماید: اسلام و قرآن کریم تربیت می‌کند، یک جامعه را در همه شئون... توجه به ابعاد دیگری که بشر دارد، مختص قوانین انبیاست؛ آن قواعد برای تهذیب نفس است؛ برای اینکه موجود انسانی - الهی بشود (مجموعه آثار، صحیفه امام، جلد ۶: ۴۰ تا ۴۲).

۲. امام خامنه‌ای در این رابطه می‌فرماید: علم و حکمت، تزکیه و اخلاق عدالت و انصاف، اینها هستند که امنیت ما را تضمین می‌کنند؛ درجهان بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم وسیله‌اند برای تعالی انسان (حدیث ولایت، ۱۳۸۶/۲/۲۵، دانشگاه مشهد).

امام خامنه‌ای در این رابطه می‌فرماید: اگر جامعه ای اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب بکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است؛ یعنی آسایش و رفاه مادی، همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی (امام خامنه‌ای، ۲۹ فروردین ۱۳۷۰، مشهد).

۳. «علی السلطان ثلاثه اشیاء یحتاج الناس طراً إليها الامن و العدل و الخصب» حضرت امام صادق (علیه السلام) - تحف العقول: ۳۳۴.

چرا که ایدئولوژی حاکم بر این دولت‌ها تعیین‌کننده است و جهت‌گیری‌ها را معین می‌کند. در جهان‌بینی اومانیستی در هر دود دیدگاه رئالیستی و آرمان‌گرایی هم آنچه موردنظر است، ایجاد سازوکاری است که امنیت انسان‌ها با نگاهی مادی‌گرایانه تامین شود. بنابراین هرچند برخی رژیم حاکم را مرجع امنیت می‌دانند و بعضی نیز فرد و عده‌ای، ملت یا جامعه یا ... را به‌عنوان مرجع امنیت فرض می‌کنند (والتر، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۹، مورگنتا ۱۹۸۵ و شولر ۱۹۹۷: ۹۶ و نیکلسون ۱۹۹۹: ۵۶)؛ ولی بدیهی است عقیده و مکتب حاکم در یک جامعه یا دولت، نقش محوری در تعیین شاخص‌های مربوط به توسعه امنیت پایدار را دارد. اما عوامل دیگری نیز در این بین مطرح است. قرآن شریف در این رابطه می‌فرماید: «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون» آنانکه ایمان آورده و ایمانشان را به ظلم آلوده نکنند، برای آنان امنیت برقرار خواهد شد و ایشان هدایت یافتگانند (انعام-۸۲).

در این مقاله از موضوع مبانی و اصول حکمرانی در مکتب انقلاب اسلامی که مبتنی بر توحید و ولایت خداست، سخن به میان آمده و اینکه این مکتب از چه بنیان و اصولی برای حکمرانی امنیتی برای ایجاد نظام و ساختار مناسب به‌منظور نیل به برقراری امنیت و عدالت دنیوی، به‌عنوان مقدمه نیل به حیات طیبه، پرداخته شده است. بر این اساس دغدغه و مسئله اصلی این تحقیق آن است که اصول و مبانی حکمرانی امنیتی مبتنی بر مکتب امنیتی انقلاب اسلامی^۱ کدام است؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. ساخت و ماهیت حکمرانی امنیتی در مکتب امنیتی تهران

۲-۱-۱. نظام سیاسی جامعه اسلامی

اسلام ناب محمدی (ص)^۲ تأکید فراوانی بر امت‌ها و سرنوشت آنها دارد؛ چرا که بر خلاف دیگر ادیان تحریف شده، دین اسلام یک دین اجتماعی است و بسیاری از احکام و دستورات آن یا مستقیماً به جامعه و اداره آن مربوط می‌شود یا با واسطه‌ای به مسائل

۱. در این مقاله هرجا از مکتب امنیتی تهران سخن به میان آید، منظور همان مکتب امنیتی انقلاب اسلامی و همان مکتب امنیتی اسلام ناب محمدی است.

اجتماعی، ختم می‌گردد. از جمله کلید واژه‌های مهم قرآنی که درباره جامعه و اجتماع انسان‌ها با هم است، واژه تعاون است که به معنی همکاری در انجام امور است و در ذات آن به معنای اقدام اجتماعی است که اساساً دعوت به حرکت مؤمنانه در عرصه اجتماعی می‌کند. در این رابطه قرآن شریف فرمان «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» «در نیکی و تقوی یار و یاور همدیگر باشید.» (سوره مائده - آیه ۲) را صادر فرموده است و حضرت امام علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «یدالله مع الجماعة» «دست خدا با جماعت است.» (نهج البلاغه - خطبه ۱۲۷). در این نگرش، نظام حاکم بر جامعه و اداره آن از اهمیت والایی برخوردار است. در دید کلی پنج مفهوم بنیادین و کلیدی در قرآن وجود دارد که مبنای اصول مبحث امنیت در قرآن کریم است. مفهوم اول که از اهمیت والایی برخوردار است و در موضوع امنیت، حیاتی است دوگانه «ایمان و کفر» است و تمام حیات در این مسیر قرار گرفته است. دوم، پاداش ناشی از ایمان که تنها به وجه معنوی و آخرت اشاره ندارد، بلکه وجه مادی و این دنیایی نیز دارد. مفهوم سوم، اعتماد و توکل به خداوند است و چهارمین مفهوم، ایمان به سنت‌های الهی است؛ مثل اینکه بین نیکوکاری و بدکاری تفاوت وجود دارد و دارای پاداش و عقوبت دنیوی و اخروی است. در نهایت اراده‌گرایی خداوند در امور جهان است؛ اراده‌ای که زمین و آسمان را مسخر انسان‌ها گردانیده تا در مسیر ایمان و عدالت مسیر خلیفه الهی راطی کند(زندگی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۵). در جامعه اسلامی سه مؤلفه مکتب، رهبری و امت در هم آمیخته است؛ به عبارتی نگاهی نو به جامعه و ساختار آن از دیدگاه مکتب اسلام موضوعیت داشته و در این راستا نوعی پیوند و نزدیکی ناگسستنی بین سه بعد مذکور وجود دارد.

۲-۱-۲. نحوه اعمال امنیت در نظام سیاسی انقلاب اسلامی

قرآن شریف یکی از اهداف طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است؛ در این راستا می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار

دهد، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند (نور - آیه ۵۵). علامه طباطبایی^(ره) در تفسیر المیزان درباره آیه فوق فرموده است: ... و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند؛ خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (تفسیر المیزان، جلد ۱۵: ۲۰۶). پیامبر اکرم^(ص) در این راستا می‌فرماید: «من اصبح معافياً فی بدنه آمنأ فی سیر به عنده قوت یومه فکأتما خیرت الدنیا بحذافیرها» هر کس تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال او است» (نهج‌الفصاحه: ۵۹). در جای دیگر پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «النعمتان مجهولتان الصحه و الامان»؛ دو نعمت برای مردم همواره مجهول و ناشناخته است، نعمت سلامتی و صحت و نعمت امنیت (بحارالانوار ج ۷۸: ۱۷۰، حکمت ۱). همچنین بنا به بیان حضرت امام علی^(ع): «فجعلله الاسلام آمنأ لمن علقه» خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگانش قرار داد و باز می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن» رفاهیت زندگانی در امنیت است (شرح غررالحکم، درالکلم ج ۴: ۱۰۰) و نیز می‌فرماید: «لانعمته اهنأ من الامن» هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست. در تحف العقول از حضرت امام صادق^(ع) به این نکته نغز اشاره شده است که: «ثلاثه اشیاء یحتاج الناس طراً لیهما، الامن، والعدل و الخصب» سه چیزی است که همه مردم به آن نیاز دارند، امنیت، عدالت و فراوانی (تحف‌العقول: ۳۲۴).

در این راستا علامه طباطبایی می‌فرماید: اینکه گفتیم اسلام طریقه‌ای است معتدل، علتش این است که اولین چیزی که یک اجتماع متعادل نیازمند آن است که در بین افراد حاکم باشد، همانا امنیت داشتن افراد در عرض و مال و جان از دستبرد دیگران است؛ نه تنها جان و مال و عرض، بلکه لازم است هر آنچه که به یکی از این سه چیز برگشت کند، امنیت داشته باشد و این همان سلامتی است که خدای عزوجل آن را در بین مسلمانان سنت قرار داد تا هر فردی با دیگری مواجه می‌شود، قبل از هر چیز سلام بدهد؛ یعنی طرف مقابل را از هر خطر و آزار و تجاوز خود امنیت دهد. پس کلمه سلام تحیتی است که

گسترش صلح و سلامت و امنیت در بین دو نفر که به هم برمی‌خورند را اعلام می‌دارد، البته صلح و امنیتی که نسبت به دو طرف مساوی و برابر است و همانند تحیت‌های جاهلیت قدیم و جدید علامت تذلل و خواری زیر دست نسبت به مافوق نیست (تفسیر میزان جلد ۲۰: ۵۱). مطالب فوق به‌خوبی بیانگر اهمیت و جایگاه رفیع وجود امنیت در روابط اجتماعی و حکمرانی در قرآن و روایات است. بدین لحاظ، امنیت باید در کلیه برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای مهم نظام اسلامی در مقامی مقدم و به‌عنوان وظیفه‌ای اساسی جهت حکومت‌ها در نظر گرفته شود و شأن امنیت و تأمین آن همواره با عنایتی ویژه اعتبار شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

۲-۲. رویکردهای مکاتب مختلف به اعمال امنیت

رویکردهای مکاتب مختلف به اعمال امنیت در اصل، منبعث از جهان‌بینی آن مکتب و متأثر از دیدگاه فکری و باورهای اساسی و ارزش‌های هر نظام حکومتی است. در بسیاری از نظریه‌های مربوط به این عرصه که اساساً بر مبنای تفکر اومانیستی شکل گرفته با عنوان رئالیست‌ها «امنیت را حفظ قدرت و در نتیجه فقط حاکمیت و اعمال آن در امور داخلی و خارجی به هر قیمت و با هر ابزاری می‌دانند»، واقع‌گرایان (رئالیست‌ها) به محدودیت‌های موجود در زندگی و آرمان‌گرایان به فرصت‌های موجود تأکید دارند (نیکلسون، ۱۹۸۸: ۶۵). نظرات آرمان‌گرایی با برداشت خوش‌بینانه از سرشت بشر و تفکیک میان قلمرو داخلی و بین‌المللی مبتنی بر اصول خاصی است که بر تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی، یا فرد و جامعه و اولویت و اصالت فرد بر جمع و تحدید قدرت دولت در این راستا تأکید دارد (خسروی، ۱۳۸۵: ۴۵). اما در رئالیسم، مطالعه و تأمین امنیت بر مبنای ناامنی است، چرا که اصالت با ناامنی است (رنجیر، ۱۳۸۳: ۳۸۷).

۲-۲-۱. مکتب رئالیسم و امنیت

در این رویکرد نظرات سنتی رئالیسم و نیز نئورئالیسم و رئالیسم تهاجمی و تدافعی را

شامل می‌شود. لاتوش فیلسوف علم، رئالیسم را یک پارادایم می‌داند (واسکوس^۱، ۱۹۹۷: ۹۱). اما فارغ از آن، آنچه این رویکرد بدان توجه دارد تکیه به این دیدگاه هابز است که اعتقاد دارد: انسان گرگ انسان است (هایز، ۱۳۸۰: ۱۵۸) و در آن به دولت محوری، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و نقش محوری قدرت، تمرکز دارد (مورگنتا^۲، ۱۹۸۵؛ اسکولر^۳، ۱۹۹۷؛ والتز^۴، ۱۹۷۹). رئالیست‌ها برداشتی کثرت‌گرا از سرنوشت انسان داشته و از استقلال انسان سیاسی بر مبنای مبانی تفکری خویش که به نیازهای مادی و روانی این دنیایی انسان‌ها توجه دارند، حمایت می‌کنند. نیز معتقدند حوزه سیاست مانند سایر حوزه‌های عملی اقتصاد، حقوق و... مستقل است (نصری، ۱۳۸۳: ۷۹۷). در این حوزه مستقل داوکینز «جنگ را محصول ژن‌های خودخواه انسانی می‌داند» (داوکینز^۵، ۱۹۷۶). لیونتین می‌گوید: «انسان‌ها دولت‌ها را و دولت‌ها نظام بین‌الملل را می‌سازند، پس درحقیقت ژن‌ها نظام بین‌المللی را می‌سازند (لیونتین^۶، ۱۹۹۱). داروین «جنگیدن را جزء طبیعی رفتار انسانی می‌داند» (عسکرخانی، ۱۳۸۲: ۲۳). برخی از واقع‌گرایان (رئالیست‌های تدافعی) بر موازنه تهدید به جای موازنه قدرت در دولت‌ها اشاره دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵)؛ بدین ترتیب بر مطلوبیت راهبرد همکاری و نه رقابت تاکید دارند (تالیافرو^۷، ۱۹۹۱؛ والت^۸، ۲۰۰۰؛ اسناید^۹، ۱۹۹۱).

۲-۲-۲. مکتب آرمان‌گرایی و امنیت

آرمان‌گرایان بفرصت‌های موجود تاکید دارند (نیکلسون، ۱۹۸۸: ۶۵). اساس این دیدگاه مبتنی بر امانیسم و تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی یا فرد و جامعه و اولویت و اصالت فرد بر جمع و تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد در جامعه است. با این وجود هر چند برخلاف رئالیست‌ها بر سرشت خوب بشر تکیه دارند (کانت، ۱۳۸۰: ۶۹)؛ اما طرف

1. Vasques
2. Morgenta
3. Schweller
4. Waltz
5. Dawkins
6. Lewontin
7. Taliaferro
8. Walt
9. Snyder

خطاب آنها دولت‌های حاکم هستند و می‌خواهند برای اعمال حاکمیت به رعایت اصول انسانی و اخلاقی مبادرت ورزند (کانت، ۱۳۸۰: ۶۹). در واقع این دیدگاه نیز در پی اتخاذ تمهیداتی است تا براساس نظام وستفالیایی (دولت-ملت) انسان‌ها «در چارچوب دولتی کامل به زندگی پرداخته و براساس قرارداد اجتماعی، اتحاد هر فرد با همه حاکمیت مطلق اراده همگانی، اطاعت از قوانین و همبستگی اجتماعی استقرار یافته باشد (روسو، ۱۳۷۹: ۳۷). در این مکتب الزامات دولت‌ها صلح طلب نیستند و ممکن است با دولت‌هایی که اندیشه لیبرالیستی را پذیرا نیستند، وارد جنگ شوند (دویل، ۱۹۸۶).

۳-۲-۲. امنیت در اسلام ناب محمدی

جهان‌بینی اسلامی و سیره ائمه هدی (ع) با توجه به اینکه جوهره امنیت ایمان، با نگاه خدابنیاد به جای انسان‌بنیاد است، به دنبال ایجاد نظام امنیتی است که متفاوت از رویکردهای مادی‌گرایانه، شرایط مناسب را برای حرکت روبه‌رشد ایمان در بین افراد و متن جامعه فراهم کند. انقلاب تکاملی اسلام در مسیر پرفراز و نشیب خود بر مبنای فطرت پاک بشریت و در راه اعتلای فرد و اجتماع در تداوم حرکت توحیدی پیام‌آوران هدایت با نگاه ارزشی خود که منبعث از توحید است، به مقوله امنیت از جنبه‌های مختلف نگاه ویژه‌ای دارد و برای آن مدلی را ارائه می‌کند که تأمین‌کننده زمینه‌های اطمینان‌بخش برای تعالی انسان‌ها در سیر الی الله است. در این نگاه، انسان به‌عنوان خلیفه و جانشین حضرت حق از مقام و منزلتی ویژه برخوردار است و کارگزاران ایجاد امنیت در ابعاد مختلف آن، به دنبال فراهم کردن شرایطی هستند که انسان‌ها بر اساس ایمان به خدای سبحان در محیطی امن (اجتماع) که مشحون از ارزش‌های الهی است، از لحاظ مادی و معنوی در چنان شرایطی قرار گیرند که بدون دغدغه خاطر سیر تعالی را طی کرده و از امنیت در زندگی دنیایی و سعادت در آخرت برخوردار باشد. در این خصوص حضرت امام خمینی (رحمه‌الله تعالی علیه) بنیانگذار انقلاب اسلامی، می‌فرماید: «تمام چیزهایی که انبیاء آوردند، مقصود آنها به ذات نبوده است؛ تشکیل حکومت مقصود به ذات نیست برای انبیا. دعوت‌ها هر چه می‌شود

مقدمه است برای اینکه انسان را بیدار کنند؛ انسان را بفهمانند که چه بوده است و چه هست و چه خواه بود ...» (صحیفه امام، جلد ۱۹: ۲۸۵). نیز می‌فرمایند: «الآن وقتی است که ما بخواهیم این کشور را از این آشفتگی‌هایی که دارد نجات بدهیم، باید همه وجهه نظر را به اسلام بکنیم؛ تمام مقصد اسلام باشد. اسلام است که می‌تواند ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند. ... قرآن کتاب انسان‌سازی است، مکتب انسان‌سازی است، انسان به همه ابعاد.» (صحیفه امام، جلد ۶: ۴۰-۴۲).

حضرت امام خمینی^(ره) در رابطه با صیانت سرزمین‌های امت اسلامی می‌فرماید: «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، بر جمیع مسلمانان دفاع از آن واجب است، به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست (رساله توضیح المسائل امام خمینی^(ره) مسائل دفاع، ۱۸۹۱: مسئله ۲۸۲۶).

امام^(ره) در جای دیگر می‌فرمایند: و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ اینجا دیگر شرطی نیست؛ بر همه واجب است که دفاع کنند. و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد؛ باید دفاع بکنند (صحیفه امام؛ جلد ۱۲: صفحات ۲۳۹ و ۲۴۰).

در واقع ایشان برخلاف مبانی دولت-ملت، پیمان و ستفالیایا، برای ایجاد امنیت و دفاع از کیان مسلمین رسالتی الهی قائل هستند. امنیت از دید حضرت امام تنها برای ارتقای زندگی مادی و رفاه دنیوی تفسیر نشده است، بلکه برای ایجاد زندگانی مبتنی بر عدل برای حصول به کمال انسانی است. در این رابطه می‌فرمایند: «مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند؛ حکومتی که اسلام نظام و طرز اداره و قوانینش را طراحی کرده است.» (ولایت فقیه، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

در این خصوص نظرات حضرت امام‌خامنه‌ای^(مدظله العالی) در رابطه با توسعه جبهه ایمان در عصر ولایت امر و حاکمیت اسلام ناب و جهاد در این جهت بیانگر رسالت انسان اسلامی و حاکمیت الهی در فراهم کردن شرایط برای نیل انسان‌ها به راه حقیقت براساس فطرت حق

۳-۲. حکمرانی و سازوکار برقراری امنیت در مکتب امنیتی تهران

انقلاب اسلامی با نگاهی نو، روشی بدیع در جهان معاصر برای حکمرانی و ایجاد شرایط زیستی مطابق فطرت انسان‌های به بشریت عرضه شد؛ مسیری که هدف اساسی در آن فلاح انسان‌ها با تغییر فرهنگ و نظام ارزشی حاکم از طاغوت به الله است و هدف امنیتی مورد پی‌گیری، «مردمی کردن امنیت» و نابودی عوامل ناامنی و آسایش مردم در جامعه برای زمینه‌سازی آسایش اجتماعی و فلاح و رستگاری است.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان به کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد.

پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی بیشتر است؛ افزایش ثروت و قدرت. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند، ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد؛ اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به‌عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.

انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دو بُعدی است؛ اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کامجویی، بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است؛ انسان سودمحور. اما در جهان‌بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان. در جهان‌بینی غربی، ثروت و قدرت و علم، هدفند. بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای

بعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است»^۱.

ایشان همچنین می‌فرمایند:

«امام بزرگوارمان می‌فرمودند: ما برای ادای تکلیف حرکت می‌کنم، حتی برای پیروزی هم تلاش نمی‌کنیم. البته، پیروزی را دوست می‌داریم، هیچ‌کس نیست که از پیروزی بدش بیاید، هیچ‌کس نیست که برای پیروزی کار نکند؛ اما هدف نهایی چیزی است که حتی از پیروزی هم بالاتر می‌باشد و آن جلب رضای خدا و ادای تکلیف است. اگر من پیروز شدم، اما از خدا دور گشتم، مغلوب شده‌ام. اگر من خدای نکرده به هدفم دست نیافتم، اما تکلیفم را انجام دادم، این پیروزی و پیشرفت است»^۲.

بدین ترتیب در ارتباط با ساخت و ماهیت امنیت در مکتب امنیتی انقلاب اسلامی که در این مقاله به نام مکتب امنیتی تهران نام گذاری شده می‌توان به برداشت‌های زیر رسید:

۱. جوهره امنیت ایمان است که در فرد و اجتماع تبلور می‌یابد، بر این اساس نظام اسلامی باید به نحوی سامان یابد که در توسعه جبهه ایمان توانمندی‌های لازم را در ابعاد مختلف برای ایجاد امنیت همه‌جانبه دارا باشد.
۲. امنیت خدابنیاد و متکی بر ایمان آحاد جامعه است، هر چه افراد با ایمان توسعه یابند، جامعه ایمانی که مشحون از امنیت است، پایدارتر خواهد بود؛ بنابراین در بررسی مقوله امنیت باید دانست، مهم‌تر از وجود یا عدم وجود و قوت یا ضعف امنیت در جامعه، نیاتی است که در آن موضوعیت دارد.^۳

۱. بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله تعالی) در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۵ (برگرفته از دومین ویرایش لوح فشرده حدیث ولایت [کاری از مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی] با تلخیص).

۲. بخشی از سخنرانی مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) در دیدار با فرماندهان یگانهای عملدهی عملیاتی نیروی زمینی و هوانیروز در ۱۳۶۸/۱۲/۵ (با تلخیص).

۳. مراجعه شود به بیانات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) در آغاز درس خارج مورخه ۱۴ شهریور ۱۳۷۴

۳. برای رسیدن به «امنیت» باید «اسلام» را حفظ کرد. امنیت اجتماعی اساساً موهبتی است که اسلام به ما می‌دهد. اسلام زندگی طیبه انسان‌هاست که همه خیرات مورد علاقه انسان‌ها از جمله امنیت اجتماعی در آن وجود دارد.^۱
 ۴. خاستگاه امنیت فرد و جامعه است؛ بنابراین باید به امنیت همه‌جانبه در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی پرداخت. لازمه ایجاد امنیت مبتنی بر فطرت حق‌جوی انسان‌ها، ایجاد نظام خدابینادی است که شاکله آن از هویتی برخوردار باشد که قابلیت و توانمندی تحقق جامعه ایمانی بر پایه عدالت را داشته باشد.
 ۵. نظام باید تحقق بخش اخلاق، امنیت و عدالت مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و ولایی باشد.
 ۶. سیر فطری و حرکت حکمت‌بنیان آفرینش بر مبنای ولایت تکوینی و تشریحی سامان یافته است، پس حاکمیت امنیتی را در این دستگاه باید تبیین کرد.
 ۷. آنچه امنیت را تأمین می‌کند و حس امنیت را به مردم می‌دهد. لزوماً مادی نیست؛ بنابراین، باید شاخصه‌های غیرمادی حصول به امنیت یا «حس امنیت» را شناخت و ترویج کرد.^۲
 ۸. حرکت انبیای الهی برای ایجاد نظام و حیات طیبه‌ای است که همه خیرات مورد علاقه انسان در آن وجود دارد؛ هم رفاه مادی و امنیت اجتماعی و روحی و هم صفای معنوی و دانش و بینش و تحقیق و تعبد و خلوص و توجه به خدا مشاهده می‌شود.
- برای تحقق چنین نظامی که جوهره امنیت را ایمان می‌داند، شایسته است تا شاکله

۱. مراجعه شود به سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیعت ائمه جمعه و جمعی از مسئولان و ائمه‌المرکز مختلف مردم

در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۴

۲. مراجعه شود به سخنرانی مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (علیه‌السلام) در

تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۷۰

متناسب با آن هویت یابد؛ چراکه به فرموده قرآن مجید: (کل يعمل علی شاکلته)، هرکس براساس شاکله خود عمل می‌کند (اسراء-آیه ۸۴) که برای نیل بدان به شرح زیر بدان پرداخته می‌شود.

الف: انسان در آفرینش از منظر قرآن

انسان منهای خدا (که مظهر آفرینندگی، زیبایی، توانایی، دانایی، عدالت و سایر خیرهاست) یعنی یک موجود پریشان در فضائی ناامن؛ عده‌ای ایمان را نوعی فریاد، ناله و عجز بشر که حاکی از نیاز اوست وصف کرده‌اند، که تعبیر رسایی نیست؛ زیرا ایمان به خداوند سبحان اتصال به قاموس خلقت است «ایمان به اوست نه به لاشیء»، واژه ایمان از ریشه «آمان» می‌آید؛ یعنی اطمینان و آرامش. به حقیقتی ایمان داریم که بدو آحی و حاضرست و حضورش مسلم و هم اوست که ارزش‌های مثبتی را ارائه می‌فرماید که یادش حداقل آرامش و امنیت (الا بذكر الله تطمئن القلوب) را به ارمغان می‌آورد و حد نهایت آن «خداگونگی» انسان است.

انسان می‌تواند با قوای چهارگانه وجود خویش (عقل، وهم، غضب و شهوت) تعادل برقرار کرده و آنها را اگر مطیع و تسلیم عقل گرداند به مقامی برسد که افضل از ملائکه شود (معراج السعاده، فصل اول: ۲۱). در این راه «عقل آن قوه‌ای است که به ما می‌گوید علاوه بر امنیت جسم، باید به امنیت روح هم پردازیم. بر اساس آموزه‌های عقل، انسان باید به پرورش روح خودش نیز پردازد (لکزایی، ۱۳۸۹: ۱۲). در واقع «العقل ما عبد به الرحمان» (اصول کافی، جلد ۱، حدیث ۳) به عبارتی انسان فیاض کسی است که از قوای به ودیعت نهاده خدای خویش بهره‌برداری نموده و صاحب صفاتی چون حکمت، عدالت، شجاعت و عفت شود (ایزدی، ۱۳۸۴: ۲۶). به عنوان نمونه علامه طباطبایی^(ره) در بحث از آیه: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم (اعراف- آیه ۹۶). به این معنا اشاره کرده و می‌نویسند: برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد (المیزان

جلد: ۲۵۲). همچنین حضرت امام باقر(ع) و حضرت امام صادق(ع) در تفسیر آیه *ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ* پس به یقین از شما در آن روز (معاد) از نعمت‌های داده شده سوال می‌کند (تکاثر - آیه ۸)، فرموده‌اند: امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان‌ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید پاسخ دهند (المیزان ج ۱۱: ۴۷۵).

ب: فلسفه سیاسی امنیت در جهان‌بینی اومانیستی

این جهان‌بینی تمرکز بر قدرت برای اعمال حاکمیت در رویکرد وستفالیایی (دولت-ملت) داشته و به دنبال اتخاذ تمهیداتی است که با اعمال آن بتواند شرایطی را در جامعه فراهم کند تا تمکین و بازخور مناسبی از طرف جامعه، برای اعمال قدرت طبقه حاکمه را داشته باشد. این جهان‌بینی از آنجایی که با رویکردی صرفاً مادی به جهان می‌نگرد و بجای خداوندی بر انسان‌محوری و تامین نیازهای مادی و این دنیایی او توجه دارد؛ در مسیر دور کردن بشر از فطرت حق‌جویش گام برداشته و در حقیقت این جهان‌بینی در مقابل نور قرار داشته و عین ظلمات است؛ چرا که انسان و جامعه را در طریقی که پیشرفت و تعالی حقیقی او در آن است راهنمایی نمی‌کند. خاستگاه و مأمن تفکر مدرنیته، غرب است و زمان پیدایش این مکتب در عصر «روشنگری» بوده است و سپس این اندیشه در تمام دنیا منتشر شده و سنگ بنای استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو و استثمار در سراسر جهان شده است. لیبرالیسم، کمونیسم و حتی فاشیسم از این جهان‌بینی نشأت یافته و در سرزمین‌های مختلف به دنبال نابودی همه مبانی فکری خداوندی بوده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به روند رو به کمال بشریت وارد کرده است. این نگاه سلطه اکنون به استعمارفرانو پرداخته و با استفاده از فناوری‌های نو مبتنی بر قدرت نرم و فضای مجازی در راهبرد قرن ۲۱ میلادی خویش به دنبال حذف همه حوزه‌های اعتقادی و اندیشه و فرهنگ برای جهانی‌سازی لیبرالیسم با ایجاد و ساخت یک پارچه ذهنی (shared idia) در عالم و جهانی‌سازی فرهنگ، ساختن انسان‌ها در تراز مکتب لیبرالیسم، با اطلاعات یکسان و مصرف‌کنندگان کالای آنان در قیادت جهان سلطه با این استدلال که باید آنها را به سوی تمدن رهنمون سازند و به درجه و رتبه‌ای عالی

بر اساس ارزش‌های مادی جهان غرب برسانند.

در خصوص همانندسازی جوامع، «میلتون.ام. گوردون» جامعه‌شناس امریکایی در کتاب «هماندسازی در زندگی امریکایی» مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی آنها را با هسته مرکزی جامعه طی هفت مرحله زیر بیان کرده است: (۱) همانندسازی فرهنگی، (۲) همانندسازی ساختاری، (۳) همانندسازی مادی، (۴) همانندسازی هویتی، (۵) همانندسازی ایستاری - بینشی، (۶) همانندسازی مدنی، (۷) همانندسازی رفتاری (مقصودی، ۱۳۸۰).

هماندسازی توأم با خشونت زمانی ایجاد می‌شود که گروه حاکم با اتخاذ اقدامات خشونت‌آمیز، ایجاد فشارهای اقتصادی مانند جلوگیری از ارتقای افراد گروه اقلیتی به مشاغل خاص، همانندسازی را با خشونت اعمال می‌کند تا افراد گروه‌های اقلیت تحت این‌گونه فشارها خود را با گروه اکثریت تطبیق دهند (توسلی، ۱۳۷۲: ۳۵۱). بدیهی است همانندسازی مانع عمده‌ای برای رشد و تکامل فرهنگ گروه‌های قومی و اقلیتی است. اگر افراد وابسته به گروه در مقابل اقدامات همانندسازی از خود مقاومتی نشان ندهند، دچار رفتار متناقضی می‌شوند که حتی در داخل گروه نیز به چشم می‌خورد؛ تناقضی که ناشی از رفتار تحمیلی گروه حاکم است و یا از خود بیگانگی در آنها به وجود می‌آید که منشاء رفتار تحمیلی گروه حاکم است و یا نوع دیگر از خود بیگانگی در آنها به وجود می‌آید که منشاء آن فراموشی فرهنگ مخصوص به خودشان است (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۵۴). این‌گونه در فلسفه سیاسی اومانیزم با عنوان ایجاد امنیت برانقیاد بشر تحت عنوان حاکمیت لیبرالیسم، مارکسیسم و رئالیسم اقدام می‌شود.

ج: فلسفه سیاسی امنیت در مکتب امنیتی تهران

در مکتب انقلاب اسلامی (مکتب امنیتی تهران)، در شئون وجودی انسان و جامعه، توحید و ولایت برای برانگیختگی انسان‌ها و جوامع برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت اساس است. به فرموده حضرت امام رضا(ع)، نعمتی که در قیامت از آن پرسیده می‌شود ولایت است «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» و از بین آنها گروهی را چون صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به

فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند (سجده - آیه ۲۴).

حضرت امام خمینی^(ره) وحدت در جامعه را از مهم‌ترین عوامل در حفظ امنیت دانسته و با توجه به قومیت‌ها، زبان‌ها و نژادها و گونه‌گونی جمعیت جامعه اسلامیان، وحدت دینی را در پرتو دین مبین اسلام عملی می‌دانستند. بدین ترتیب یکی از ارکان حکمرانی امنیتی ابتناء به وحدت نهادینه در جامعه است که با اعتصام به حبل الهی (ولایت) ممکن است.^۱ از منظر حضرت امام خمینی^(ره) امت و امنیت آن برای نظام اسلامی موضوعیت دارد و امنیت مردم مسلمان و کشور از هم جدا نبوده و منافع دیگر مسلمانان باید مورد توجه باشد. بنابراین مفهوم امت جایگزین مفهوم دولت-ملت (پیمان وستفالیای) می‌شود و امنیت ایران اسلامی به امنیت کل جهان اسلام وابسته است. امام خمینی^(ره) معتقدند هر قدرتی که خاستگاهش (دولت-کشور) باشد؛ یعنی صرفاً به عنصر ملیت توجه کند، الزاماً به تعقیب منافع ملی می‌پردازد. پس قدرت برخاسته از این تفکر نمی‌تواند در مقابل قدرت ناشی از بلوک سیاسی و فرهنگی غرب دوام آورد (دولت آبادی، ۱۳۷۵: ۲۶۳-۴۴۷) درنگاه کلی با بهره‌گیری از ادبیات تحقیق می‌توان موارد زیر را از مهم‌ترین عناصر و عوامل حاکمیت امنیت در جامعه اسلامی نام برد:

۱. ایمان به توحید و ولایت و ایجاد جوهره نظام امنیتی براساس ایمان به این مبنا؛
۲. آرامش و امنیت نظام زندگانی فردی و اجتماعی مبتنی بر ایمان با برخورداری از نقش اجتماعی و فردی در جامعه؛
۳. اثربخشی پایدار فرد و جامعه در یکدیگر و ابتنای حکمرانی امنیتی بدان؛
۴. وحدت درعین کثرت و کثرت درعین وحدت و تاثیر آن در اعمال امنیت؛
۵. رهبری مبتنی بر فطرت حق‌جوی انسان‌ها (ولایت تکوینی و تشریحی) و تاثیر آن بر ایجاد امنیت و آرامش؛
۶. بصیرت، آگاهی و بینش سیاسی مردم به‌عنوان زیربنای برقراری امنیت؛
۷. هویت ایمان پایه سامانه‌های متکفل ایجاد امنیت؛

۱. «واعصموا به حبل الله جمعياً و لا تفرقوا» همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهلبیت (علیهم السلام)] چنگ بزنید و پراکنده و گروه و گروه نشوید (آل عمران: ۱۰۳).

۸. اثربخشی و هم‌افزایی امت اسلام و تاثیر آن در تعمیق امنیت پایدار؛
۹. حفظ و اعتلای هویت فرهنگی - اسلامی به‌عنوان زیرساخت ایجاد امنیت پایدار؛
۱۰. ظلم‌ستیزی و عدالت اجتماعی؛
۱۱. ایمان‌مداری و مشروعیت و مقبولیت زمامداران و کارگزاران مرتبط در حکمرانی امنیتی؛
۱۲. مشارکت و نظارت مردم در برقراری امنیت (مردم پایه بودن امنیت)؛
۱۳. حرکت برمبنای صدق در راداره سامانه‌های امنیتی و در تعامل با مردم؛
۱۴. حکمرانی امنیتی بهینه مبتنی بر مکتب و استفاده مشروع از قدرت.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیقات از نظر هدف به سه دسته تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی تقسیم می‌شوند. تحقیقات بنیادی اگرچه ممکن است کاربرد عملی نیز داشته باشند، ولی هدف عمده و اساسی آن افزایش حیطه دانش و آگاهی است، هم‌چنین یافته‌های تحقیق کاربردی به‌میزان زیادی قائم به زمان و مکان هستند، در صورتی‌که این ملاک در تحقیق بنیادی صادق نیست؛ هدف تحقیق بنیادی یافتن کلیت و عمومیت یک نظریه مبنی بر قبول و رد آن است (دلاور، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۹).

در تحقیقات بنیادی روش‌های استدلالی گوناگونی به‌کارگیری می‌شود؛ از جمله روش استدلال قیاسی، در این روش از یک قانون عمومی و کلی برای توصیف و پیش‌بینی و تبیین پدیده‌های جزئی استفاده می‌کنند. استدلال قیاسی برمبنای پیش‌فرض‌های پذیرفته شده که از باورهای اجتماعی، ماوراءالطبیعه، عرف و باورهای اخلاقی نشئت می‌گیرد، انجام می‌شود (دلاور، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۹).

در همین زمینه شورای پژوهش‌های علمی کشور نیز تحقیقات بنیادی را فعالیتی نظری یا تجربی تعریف کرده است که به‌منظور کسب دانش جدید (یا درک مفهومی جدید از یک موضوع) در مورد مبانی زیربنایی یک پدیده و واقعیت قابل مشاهده به‌دون آنکه استفاده خاصی از آن مدنظر باشد، صورت می‌گیرد. با توجه به مطالب بیان شده فوق می‌توان گفت تحقیق حاضر

از نوع تحقیق بنیادی و نظری بوده که با به‌کارگیری روش استدلال قیاسی و رویکرد کیفی صورت گرفته است. روش مورد بهره‌برداری در این تحقیق استنادی و استنباطی با تحلیل اسنادی متون با تکیه بر اصول و مبانی پابرجای اسلام ناب محمدی (ص) است.

قلمرو تحقیق نیز به سه بخش قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی تقسیم می‌شود؛ در این تحقیق قلمرو موضوعی مربوط به موضوع امنیت می‌باشد و قلمرو مکانی آن مربوط به جمهوری اسلامی بوده و قلمرو زمانی آن نیز از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون را شامل می‌شود. روش گردآوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده و ادبیات تحقیق و مباحث نظری آن بر این اساس جمع‌آوری شده است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل تفسیری اسنادی و سایر داده‌های کیفی با مراجعه به آیات قرآن، تفاسیر، احادیث، فرمایشات حضرات امام خمینی (ره) و امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

هر نظام سیاسی منبعث از جهان‌بینی خود در پی ایجاد سازوکاری است که بر مبنای آن به تحقق اهداف مکتب خود بپردازد. تاریخ پرتلاطم بشر در این رابطه از یکسو مواجهه با حرکت انبیاء و اوصیای الهی است که در جهادی دائمی، به دنبال پیاده‌سازی نگرشی توحیدی و فلاح انسان و جامعه، هستند و از سوی دیگر با ترفندهای مستکبرین و مترفین مواجه هستند که برای به زانو در آوردن انسان‌ها و بهره‌کشی از آنها تحت عناوین مکاتب مختلف تلاش می‌کنند. در راه نورانی جبهه توحید که اکنون با محوریت ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران تحقق یافته، در حقیقت شاهد تجلی عینی سنتی هستیم که در بستر تاریخ در اندیشه سیاسی اسلام ریشه دارد (اسلامی، ۱۳۹۰: ۸۳۸).

تأسیس اولین حکومت اسلامی به دست پیامبر اکرم (ص) در مدینه و دوران حکومت درخشان حضرت علی (ع) از ناب‌ترین این دوران است؛ به عبارتی باید پذیرفت که در عصر غیبت، الگوی طرح شده حضرت امام خمینی (ره) حکایت از تجدید حیات سیاسی اندیشه‌ای در تاریخ بشر دارد که ما از آن به امامت یاد می‌کنیم که امری تاریخی و از حیث نظری

همان‌گونه که ارائه شد، ریشه‌های رکین و مکتبی دارد (اسلامی، ۱۳۹۰: ۸۳۸).

تمدن مادی غرب با بسط حقوق مبتنی بر بنیان‌های باطل خویش در عالم و ترویج سکولاریسم، اومانیزم و ایده‌های منشعب از آنها مثل: نحله رئالیسم و لیبرالیسم و فمینیسم و ... که برخلاف فطرت حق‌جوی انسانی ریشه در تعدد الهه‌ها دارد، به دنبال حذف مفاهیم قدسی و درهم ریختن مرزهای سیاسی، اجتماعی فرهنگی و جغرافیایی جهان برای حاکمیت تمدن رو به زوال غرب بوده و بر این اساس این نگرش با بهره‌گیری از فضای مجازی و سایر رسانه‌ها، بزرگ‌ترین جنگ نرم تاریخ را در تقابل با انقلاب اسلامی با هدف تداوم حرکت استعماری تاریخی خود و غلبه استعمار فرانو آغاز کرده است.^۱

در این میان، تقابل مبانی مکتبی اسلام ناب محمدی (ص) که به دنبال رهایی بخشی بشر از سلطه شیاطین و طواغیت است، با مبانی و اصول جنگ‌طلبانه غرب استثمارگر، بیان‌گر این نکته مهم است که توسعه مادی، در دکتترین تهاجمی غرب، توجیه‌کننده جنگ‌افروزی‌های جهان و جهانی‌سازی تکامل اجتماعی غربی در عالم است که در عمل به بن‌بست رسیده و نظام‌های مبتنی بر آن دچار چالش جدی و اساسی شده‌اند^۲ به گونه‌ای که فرهنگ و تمدن غرب که غایت لیبرال دموکراسی است، مسیر رو به زوالی را طی می‌کند و حتی تئوری پردازان «پایان تاریخ» یعنی فوکویاما که مدعی غلبه تاریخی لیبرالیسم دموکراسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود، با تجدیدنظر در ارائه این نظریه در وجود قابلیت‌های این تفکر در اداره جوامع و انسان‌ها به تردید افتاده است؛ علاوه بر آن در دیدگاه مدرنیته، هزینه‌های مادی ایجاد امنیت به تدریج بالا رفته ولی نتیجه آن یعنی ارتقای امنیت به صورت مستقیم بالا نرفته، بلکه نتیجه عکس داشته است؛ چراکه حرکت برمبنای این جهان‌بینی چون مبتنی بر فطرت پاک انسانی نیست، لاجرم شرایطی را ایجاد می‌کند که تنش‌های درونی انسانی و همچنین ناهنجاری‌های اجتماعی را باعث می‌شود؛ وضعیتی که

۱. امروز دشمن، جبهه وسیعی را با استفاده از ابزارهای موثر خطرناک و کارآمد و نیز بهره‌گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا هدف یک پویش همه‌جانبه‌ی فرهنگی قراردادد. ۱۳۷۱/۹/۱۹، و ... کشور امروز ... بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است ۱۳۹۴/۲/۱۴ (حضرت امام خامنه‌ای).

۲. امام خامنه‌ای، سخنرانی ۲۹ فروردین ۱۳۷۰، مشهد مقدس

نگرانی متفکران غربی را برانگیخته است. ولی بر مبنای دیدگاه حضرت امام خمینی^(ره) چون ایمان و پلایش نفس انسانی و تقوای جمعی اساس امنیت است و ایجاد امنیت فردی و اجتماعی بر مبنای فطرت پاک انسانی است که هم اثربخش است و هم اینکه هزینه‌های مادی امنیت کاهش پیدا می‌کند و حرکتی است که در حقیقت انسان‌ها و جوامع را به امنیت واقعی می‌رساند؛ در صورتی که امنیت در جهان‌بینی اومانیستی برای ایجاد شرایط برای اعمال قدرت حاکمیت بر اساس ارزش‌های مادی است؛ بنابراین، انطباق با نیازهای فطری بشر نداشته و به تبع آن آرامش‌بخش نیست؛ در نتیجه به صورت روبه‌تزایدی برای ایجاد آسایش هزینه زاست و از اثربخشی مورد انتظار برخوردار نیست. اما امنیت از منظر انقلاب اسلامی فراغت و آرامش خاطر آحاد امت اسلام برای نیل به سعادت و آخرت و در پرتو تقوا و عدالت فردی و جمعی را به دنبال دارد. بنابراین، چون مطابق سرشت بشر است موجبات ایجاد سلم در افراد و توسعه امنیت و عدالت در جامعه است، در چنین جامعه‌ای امنیت مردم‌نهاد از هزینه‌های پایین‌تری برخوردار است و اثربخشی کارسازی به صورت نسبی بر آن مترتب است.

نکته دیگر اینکه امنیت، «هزینه و بهای معنوی» دارد و در ذات خود موجبات رشد را هم فراهم کرده و انسان‌ها و ملت‌ها را بر این مبنا آماده می‌کند تا برای رسیدن به آن، از بعضی حقوق خود گذشته تا در تعامل جهانی به امنیت پایدار مبتنی بر مکتب نبوی دست یابند. اینگونه ایثارگری اساسا در مکاتب الهی و معنوی نرج پیدا می‌کند. در این راستا استادشهد مرتضی مطهری بر این باور است که جامعه اسلامی از ناحیه زعامت دینی در داخل به وحدت و یکپارچگی رسیده و در خارج به قدرتی برتر تبدیل خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۰: ۶۳-۷۰).

بنابراین از آنجاکه ارکان نظام اسلامی توحید و ولایت است، پس در استقرار امنیت باید به تاسیس شاکله‌ای مبتنی بر ولایت الهی اهتمام کرد؛ چراکه در راه نیل به ایمان، راهبری ولی امر به عنوان منشاء طی طریق سعادت و صدق مرجعیت می‌یابد. جایگاه ولایت در نظام سیاسی، اجتماعی و امنیتی انقلاب اسلامی در بین امت چون مشعلی راهنما به عنوان مرکز ثقل (گرانیگاه) و عامل تاب‌آوری اجتماع، نقشی شگرف در نیل به ایمان (که در حقیقت امنیت واقعی از آن متبادر می‌شود)، به‌شمار می‌آید. در واقع در مسیر قیام الله و

تفکر و استقامت در این مسیر، انسان الهی به مقصود حکمت که معرفت امام به عنوان راهبر طریق ایمان در هر عصر است، نایل می‌شود. حضرت امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «راس الحکمه معرفه الامام» نهایت حکمت و آگاهی، شناخت و معرفت به امام حق است. ولایت تشریحی که به ولایت امر تفویض می‌شود، در قاموس خلقت و فطرت حق جوی انسان‌ها، ایمان را در مسیر شکوفایی قرارداد و در مسیر سعادت و رشد در تمام ابعاد اجتماعی اعمال ولایت می‌کند تا در امنیت حقیقی، انسان‌ها و جامعه بر مبنای ایمان قرار یابند.

5. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به مستندات قرآنی، روایات معتبر و محدثین مورد وثوق و دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی که در مبانی نظری ارائه شد، در مکتب امنیتی تهران که ایمان را مرجع و جوهره امنیت می‌داند، فرد و جامعه‌ای را در شرایط مناسب از لحاظ احساس امنیت می‌داند که مبتنی بر فطرت حق جویش سامان گرفته باشد. در این مسیر الهی همانگونه که در این مقاله ارائه شده است، برای نیل به حیات طیبه، نظام سیاسی مبتنی بر ولایت که «نظام امنیتی» منبعث از آن است، مطرح می‌شود. در واقع بر مبنای آنچه که ارائه شد، ارکان نظام اسلامی، توحید و ولایت است و در نظام‌دهی ساختار این نظام، توحید به عنوان جهان‌بینی و پایه و شالوده آن موضوعیت دارد و در این نظام (متفاوت از نظام‌های منبعث از جهان‌بینی اومانیستی که نگاهی غیر الهی و مادی بر انسان و جهان دارد)، به جای سامانه‌های هویت یافته از نگاه لیبرالیستی، مارکسیستی، آنارشیستی و فاشیستی، باید نسبت به تأسیس شاکله مبتنی بر ولایت الهی اهتمام کرد. بر این اساس، تبیین و تعمیم جایگاه ولایت در نظام سیاسی اجتماعی امنیتی انقلاب اسلامی در بین امت، چون مشعلی رهنما، به عنوان راهبر و عامل تاب‌آوری اجتماع نقشی شگرف و کارساز در جهت هدایت به سوی ایمان الهی دارد؛ ایمانی که نیل بدان در جامعه مترادف با ایجاد امنیت پایدار تعالی بخش در زندگانی دنیوی و اخروی است. امنیتی که از مبانی و اصول زیر برخوردار است:

۱. مبانی امنیت در مکتب امنیتی انقلاب اسلامی

از منظر مکتب امنیتی تهران، جوهره امنیت، ایمان در پرتو توحید و ولایت است و انسان مؤمن و جامعه مبتنی بر ایمان الهی در امنیت کامل قرار دارد. در نظام اسلامی ایجاد امنیت همه‌جانبه در ابعاد فردی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی و در ارکان قدرت ملی بر پایه ایمان برای نیل به توحید از طریق ولایت، محوریت و موضوعیت دارد. امنیت در مکتب انقلاب اسلامی از مبانی زیر تبعیت می‌کند، بنابراین نهادسازی امنیت برای نیل به این مقصود باید بر این مبنا باشد.

بانگ‌رشد توحیدی و بن‌مایه ولایت الهی، امنیت مبتنی بر ایمان و معنویت برآمده از آن، مبتنی بر مبانی زیر است:

الف. توحید امنیتی: (با نگرش و گرایش دوساحتی)؛ امنیت مادی و معنوی، ظاهری و باطنی، دینی و سیاسی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، برای نیل به ایمان فردی و اجتماعی در صراط توحید احدی و صمدی و ولایت الهی؛

ب. بعثت امنیتی: رشد درونی و برونی، فردی و اجتماعی براساس نبوت، شریعت و مکتب؛

ت. تعالی امنیتی: نگرش و گرایش امنیتی متعالی، راهبرد امنیتی متعالی مبتنی بر امتداد دنیا به آخرت؛

ث. عدالت امنیتی: تعادل امنیتی و امنیت متعادل؛

ج. امامت و راهبری امنیتی: امنیت در پرتو ولایت (ولایی «سرپرست ربانی» و امامی «راهبری سیاسی»).

۲. اصول امنیت در مکتب امنیتی انقلاب اسلامی

مکتب امنیتی انقلاب اسلامی، از اصول اساسی زیر تبعیت می‌کند و در نتیجه اصول نظام‌سازی امنیتی و حکمرانی در مکتب امنیتی تهران برای اعمال امنیت در نظام سیاسی انقلاب اسلامی، به شرح زیر ارائه می‌شود:

(۱) امنیت بر مبنای اندیشه انقلاب اسلامی منبث از ایمان که دارای مختصات زیر

است:

الف. تکوینی و ذاتی است؛ فطره الله التي فطر الناس عليها... (روم - ۳۰).

ب. فطرت انسانی (عقلی و قلبی) آن را درک می‌کند.

ت. عقل، نقل، وحی (قرآن) و شریعت آن را تبیین کرده است.

ث. حس، قیاس، استقراء، تجربه و عرف علمی و عمومی در ابعاد فردی و اجتماعی بدان پرداخته است.

ج. امنیت ضرورتی ذاتی، فطری و اجتناب‌ناپذیر است که جوهره آن ایمان است.

چ. پدیده و پرسمان امنیت انسانی و مدنی، اجتماعی، و... فراگردی از دو فرایند نظری

و عملی و نیز معرفت‌شناسی امنیت بر اساس ایمان مبتنی بر توحید و ولایت است.

(۲) امنیت حقیقی و فلاح در ایمان است و غایت هرانسان در جامعه الهی شکوفا

می‌شود؛ جامعه‌ای که در ایمان و عمل بدان پیشی گیرد، مشحون از رستگاری است و

شرط ایجاد چنین شرایطی تغییر انسان‌ها در طریق ایمان است. این جامعه به‌عنوان

مرکب حقیقی فرهنگ از شاخصه‌های زیر برخوردار است:

الف. حیات فردی و اجتماعی فقط در همین زندگی و حیات مادی نیست (جائیه - ۲۴)،

بلکه دارای حرکت قدسی تا ملکوت است؛ بنابراین، شالوده نظام امنیتی باید بر این

اساس باشد.

ب. وقتی در جامعه صدق حاکم باشد، با قدرت لایزال الهی وسیله ظفرمندی آن فراهم

می‌شود!

ت. خداوند ولی رهپویان جبهه ایمان است که آنها را به‌سوی نور رهنمون است (بقره - ۲۵۷).

ث. خلقت انسان و ایجاد امت‌ها، هدفمند است "افحسبتم انما خلقناکم عبثاً" (مومنون - ۱۱۵).

(۳) امنیت در مکتب اسلام یک کمک پشتیبانی به هدف اصلی یک نظام نیست، بلکه خودش هدف و مرجع است؛ به عبارتی در متن ایمان که جوهره امنیت است قرارداد (الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن)، آن کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ظلم نیالودند، امنیت برای آن گروه است (انعام-۸۲) و دارای ویژگی‌های زیر است:

الف. حکمرانی امنیتی یعنی ایجاد نظاماتی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی، دفاعی و... که در حوزه قدرتی خویش به‌صورت محوری در تحقق امنیت اثربخش باشند. امنیتی که هدف آن ایمان و تعمیم آن است؛ «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض» (اعراف - ۹۶).

ب. شاکله نظام اسلامی باید براساس توحید و ولایت سامان یابد که این امر در ولایت ائمه هدی و ولی فقیه (داری شرایط عدالت) متجلی است؛ بنابراین زیر نظام «حکمرانی امنیتی» در این نظام به‌عنوان نحله‌ای از نظام منبعث از ولایت است.

ت. در حکمرانی امنیتی هم افراد و هم جامعه موضوعیت دارد؛ اگر فرد تغییر نکند، جامعه هم تغییر می‌کند و فرد تغییر یافته در مسیر ایمان، در امنیت جامعه کارساز است؛ «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد - ۱۱)

ث. جامعه ایمانی، خود بستری است برای تعالی انسان و ایمان افراد خود امنیت‌زاست (انعام - ۸۲).

ج. نمی‌شود یک مجموعه‌ای خود، شاکله‌ای ضد ایمانی داشته باشد ولی بخواهد برای ایجاد امنیت (که بنیاد آن بر اساس ایمان است) انجام ماموریت کند؛ «اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم» (بقره - ۴۴).

چ. معماری، طراحی و پیاده‌سازی سامانه حکمرانی امنیتی، چند بعدی است و باید همه

قدرت را با هدف ایجاد امنیت که جوهره آن ایمان است در همه سطوح ولایه‌های اجتماعی و مدیریت راهبردی نظام در بر بگیرد؛ «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (انفال - ۶۰).

(۴) امت از سرچشمه ولایت که نشأت گرفته از توحید است، در لایه‌های مختلف اجتماعی انگیزه و الهام می‌گیرد. بنابراین در حکمرانی امنیتی مثل سایر ارکان قدرت نظام اسلامی، امامت و رهپویی از آن موضوعیت تام دارد؛ به عبارتی «امنیت» بر اساس فلسفه حکمرانی سیاسی در نظام اسلامی «مردم پایه» و «مبتنی بر ولایت است». بنابراین فرمایش قرآن کریم: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (آل عمران - ۱۰۳) و «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء - ۵۹)، در این راستا نکات زیر قابل توجه است:

الف. حکمرانی امنیتی در نظام اسلامی همه‌جانبه بوده و همه ارکان قدرتی نظام، نسبت به همدیگر هم‌افزایی داشته و به تاب‌مندی آن کمک می‌کنند (تحف العقول - ۳۲۴).

ب. در حکمرانی امنیتی نظام اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر که از اصول اعتقادی دین حنیف اسلام است، نقش کلیدی را ایفا می‌کنند (آل عمران - ۱۱۰).

ت. غایت امنیت در حکمرانی اسلامی، نیل به حیات طیبه است (نحل - ۹۷)؛ بنابراین، در همه ابعاد اعمال آن موضوع ارتباط با خالق هستی و دنیا را مزرعه آخرت دانستن، موضوعیت تام دارد.

ث. حکمرانی امنیتی، منبعث از جهانبینی اسلامی است که مبنی بر آرامش دنیوی و فلاح اخروی است «الا بذکر الله تطمئن القلوب» (رعد - ۲۸) و بر خلاف نگرش اومانیستی که معتقد است که جهان بر محور انسان مادی است (انسان‌محوری) در دیدگاه اسلامی، تمام جهان هستی بر محور خدایندایی استوار است؛ در این معنا ایجاد امنیت برای فراهم کردن تعالی انسان است.

بنابراین در ایجاد نظام امنیتی مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) بر مبنای توحید و ولایت باید اصول زیر محوریت داشته باشد:

۱. امنیت ایمان‌پایه، با نگرش دوساحتی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی؛

۲. امنیت برای بعثت با توجه به ابعاد درونی و برونی، فردی و اجتماعی آن؛
۳. شاکله نظام امنیتی مبتنی بر ولایت (تکوینی - تشریحی)؛
۴. تعادل امنیتی و امنیت متعادل (عدالت امنیتی)؛
۵. ایمان مرجع و جوهره امنیت است؛ بنابراین ایجاد نظام حکمرانی امنیتی خود هدف است؛
۶. جهان صحنه نبرد حق و باطل است، پس مدار و محور امنیت، پیشبرد جبهه حق است؛
۷. هادیان و کارگزاران نظام امنیتی خود باید از رهپویان صدیق جبهه ایمان باشند؛ پس نمی‌توان در شاکله این نظام از اغیار بهره برد؛
۸. امنیت ایمان‌پایه، مبتنی بر صدق است و یاری خدا و خدایان جبهه طاغوت را در پی دارد؛
۹. در حکمرانی امنیتی باید به تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، دفاعی، و... پرداخته شود؛
۱۰. حکمرانی امنیتی بر مبنای رابطه امام و امت و بر اساس امر به معروف و نهی از منکر است.

پیشنهادها

۱. با توجه به ضرورت انجام پژوهش در مورد فلسفه سیاسی امنیت در مکتب امنیتی ج.ا.ا در این خصوص اقدام شد و لازم است شاکله مکتب امنیتی تهران از منظر معرفت‌شناسی به جهانیان عرضه شود، پس انجام کار پژوهشی و انتشار آن در سطح جهانی ضروری است.
۲. ساختار امنیتی کشور باید بر اساس مبانی و اصول مکتب امنیتی تهران متحول شود، در نتیجه ضروری است تا بررسی جامع از وضعیت این ساختار طی بیش از ۴۰ سال حاکمیت نظام ج.ا.ا مورد پژوهش قرار گیرد.
۳. در خصوص ساختار سازمانی ایجاد امنیت همه‌جانبه مردم‌پایه مبتنی بر مکتب امنیتی

تهران در کشور ج.ا. کار پژوهشی شایسته‌ای انجام پذیرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- قرآن مجید (ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش).
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۸
- نهج البلاغه، انتشارات هجرت قم، سال نشر ۱۴۱۴ هجری قمری
- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم، جلد ۴، شارح آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین،
- شیخ صدوق (۱۳۷۳)، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، نشر صدوق
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه نور، جلد ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۱)، رساله توضیح المسائل، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۴۹)، ولایت فقیه.
- امام‌خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله، ناشر انتشارات ایمان جهادی به کوشش مرکز صهبا
- امام‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، اجوبه الاستفتائات، ناشر فقه روز
- امام‌خامنه‌ای، حدیث ولایت، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، دفتر حفظ و نشر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- امام‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی.
- الحرائی، ابن شعبه، ابومحمد (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسلامی، علیرضا، (۱۳۹۰)، نظریه امنیت امام خمینی ره با رویکرد امنیت ملی، ناشر دانشگاه عالی دفاع ملی
- استوارات کرافت، پاتریک مورگان، لوسی جمیز، تری تریف (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، پژوهشکده مطالعات راهبردی ابرار معاصر
- ایزدی، آیه الله عباس (۱۳۸۴)، اخلاق ایزدی، نشر اجر.
- بشیری، حسین (۱۳۹۲)، آموزش دانش سیاسی و مبانی سیاست، ناشر نگاه معاصر، چاپ دهم

- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی، موسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرارمعاصر
- دلاور، علی (۱۳۸۱)، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، نقد و بررسی کتاب مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی سال هفتم، شماره دوم.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۷۹)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران، انتشارات آگاه
- صالحی امیری، سیر رضا (۱۳۸۸)، مدیریت منازعات قومی در ایران، ناشر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طباطبایی، علامه سیدحسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، جلد ۵ و ۱۱ و ۱۵ و ۲۰، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و سیدمحمدباقر موسوی همدانی قم، بنیاد فکری علامه طباطبای با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)، رژیم های بین المللی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰)، صلح پایدار، ترجمه محمدصوری، تهران، به باوران.
- کلینی، یعقوب (۱۳۶۵)، اصول کافی، جلد، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- لک زابی (۱۳۸۹)، امام خمینی و امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره سوم، پاییز ۸۹
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵ ق)، بحارالانوار، جلد ۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۶ و ۷۸، دارالکتب الاسلامیه.
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ناشر انتشارات صدرا.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۷)، توسعه و منازعات قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹۹
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۸)، معراج السعاده، قم، موسسه انتشارات هجرت
- نصری، قدیر (۱۳۸۳)، نقد و بررسی کتاب، مناطق و قدرت ها، ساختار امنیت بین المللی، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره دوم.
- هابز توماس (۱۳۸۰)، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشرنی.

ب. منابع انگلیسی

- Morgenthau, Hones J. (1985). **Politics Among Nations: The Struggle for power and peace**. New York. mc Grow Hill
- Schweller, Randall L, David Priess (1997). **A tale of two Realism .Expanding The**

Institution Debate, Morton, *International studies Review* 41, No 1.

- Vasquez, John. (1997). **The realist paradigm and degenerative versus progressive research program**, The American political science Review .91. Ni.4
- Dawkings, Richard (1976). **The Selfish Gene**. Oxford, Oxford university press
- Lewontin ,RC(1991). **Biology as Ideology :The Doctoring of DNA** ,New York Harper
- Taliaferro ,J.(1999). **Security under Anarchy**, Defensive Realism reconsider, Unpublished Article
- Nicholson, Michael (1998). **The Eighty years Crises: International Relation 1919 – 1999**.
- Doyle, M. (1986). **Liberalism and world politics**. American political science review,80
- Waltz, K (2000) . **Keeping the world off Balance: Self Restrain and V.S foreign policy**. Harvard University. Harvard Kennedy School.
- Waltz, K. (1964). **Man, state. And war**. New York: Colombia University.
- Waltz, K (1979). **Theory of International Politics**. New York: random

